

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)
سال بیست و دوم، دوره جدید، شماره ۱۴، پیاپی ۱۰۱، تابستان ۱۳۹۱

وقف قنات

(مطالعه موردی: قنات‌های موقوفه سید رکن‌الدین در یزد)

زهرة چراغی^۱

تاریخ دریافت: ۹۰/۶/۲۵

تاریخ تصویب: ۹۱/۱۰/۱۱

چکیده

قنات یکی از سازه‌های آبی تاریخی است که متناسب با اقلیم مناطق خشک و نیمه‌خشک ایران و به‌علت کمبود آب‌های سطحی از دوران باستان تا کنون مورد استفاده قرار گرفته است. قنات فقط یک تکنولوژی نیست؛ بلکه بستر زاینده فرهنگ است که در طول تاریخ در ایران و به‌ویژه در فلات مرکزی نقش مهمی داشته است. وقف نیز به‌عنوان کاری نیک سابقه طولانی در تاریخ ایران دارد و در میان پیروان همه ادیان و مذاهب از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. نهاد وقف یکی از برجسته‌ترین مصادیق احسان و تعاون است که منشأ خدمات علمی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی در سطح جامعه شده است. این پژوهش ارتباط دوسویه قنات و جامعه را بررسی کرده و از این رهگذر، با تکیه بر قنات‌های موقوفه

۱. استادیار تاریخ دانشگاه یزد zohre.cheraghi@yazduni.ac.ir

سیدرکن‌الدین، نقش نهاد وقف را در استمرار حیات و تداوم بهره‌برداری از قنات تجزیه و تحلیل کرده است.

واژه‌های کلیدی: وقف‌نامه، قنات، سیدرکن‌الدین، یزد.

۱. مقدمه

وقف با انگیزه نیکوکاری سابقه طولانی در تاریخ بشر دارد و در میان پیروان همه ادیان و مذاهب جایگاهی ویژه داشته است. نهاد وقف یکی از بارزترین مصادیق احسان و تعاون است که منشأ خدمات علمی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی در سطح جامعه گردیده است. پدیده وقف ریشه در عقاید دینی مردم دارد، در میان پیروان همه ادیان امری پسندیده و شایسته محسوب شده است. در ایران باستان عموماً براساس آموزه‌های دینی زرتشت و بعد از ورود اسلام خصوصاً بنا به توصیه‌های دین جدید، نهاد وقف در ایران مورد توجه قرار گرفت (شهابی، ۱۳۴۳: ۱۰).

از نیمه دوم سده چهارم قمری / دهم میلادی یعنی در عصر سامانیان، برای نخستین بار از «دیوان اوقاف» یاد شده که به امور وقفی می‌پرداخته است. تأسیس این دیوان موجب دخالت دولت در امور وقف شد و در دوره‌های بعد نهاد وقف توسعه یافت؛ به گونه‌ای که صاحب‌منصبان دولتی و حکومتی املاک بسیاری جهت امور دینی، فرهنگی و بهداشتی وقف کردند (شهابی، ۱۳۴۳: ۶). برای مثال، هزینه برخی مدرسه‌ها، مسجدها، بیمارستان‌ها، خانقاه‌ها و... از درآمد موقوفاتی بوده که برای آن‌ها قرار داده بودند (سلیمی فر، ۱۳۷۰: ۷۴). مغول‌ها پس از تهاجم به ایران بسیاری از موقوفات را تصرف کرده و آن‌ها را به املاک خصوصی (اینجو) خود تبدیل کردند (بویل، ۱۳۷۹: ۴۹۰). در برخی نقاط اراضی ملکی افراد نیز توسط ایلخانان، اشراف مغولی و گاه افراد بومی مورد تعرض و تجاوز قرار گرفت (لمبتون، ۱۳۷۲: ۱۶۶). در عصر ایلخانان، ناامنی در مالکیت ارضی شدت یافت؛ بنابراین یکی از راه‌های کسب امنیت، تبدیل آن‌ها به اراضی وقفی بود.

در عصر غازان خان شرایط دگرگون شد؛ به ویژه با اسلام آوردن غازان خان نگرش به مسئله وقف نیز تغییر یافت. غازان خان متوجه ناامنی در مالکیت شد و می دانست بدون زراعت عوایدی نصیب دولت نخواهد شد؛ بنابراین نگرش مثبت او و خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی وزیر وقت به نهاد وقف، موجب گسترش موقوفات شد و از جمله در یزد بخش مهمی از آب و اراضی را به خود اختصاص داد (پطروشفسکی، ۱۳۶۶: ۲ / ۴۷۲). یکی از وقف نامه های موجود در این دوره، وقف نامه جامع الخیرات است که شرح مکتوب موقوفات سیدرکن الدین محمدبن نظام الحسینی و فرزندش سیدشمس الدین است.

محدودیت منابع آب در ایران موجب شده که در میان نهادهای تولید، همواره آب اهمیت ویژه ای داشته باشد. اگر ازدیدگاه تاریخی به سرزمین ایران بنگریم، می توانیم تنوع دسترسی به منابع آب را مشاهده کنیم. این تنوع به لحاظ شرایط اقلیمی ایجاد، و به شیوه های معیشتی گوناگون مانند شیوه معیشت بارانی، استپی، رودخانه ای و قناتی منجر شده است. در حوزه معیشت قناتی که اغلب فلات مرکزی ایران را دربر گرفته، آب بیش از نقاط دیگر ارزش و اهمیت یافته است. در این حوزه تنها منبع آبی، آب زیرزمینی است که در گذشته از طریق قنات و چاه در اختیار ساکنان این منطقه قرار می گرفته است؛ به گونه ای که ۶۵ درصد قنات های کشور در فلات مرکزی قرار گرفته اند (صفی نژاد، ۲۵۳۵: ۲۸). بنابراین، سازه های مانند قنات زائیده شرایط محیطی و اقلیمی است. ساختار قنات و دشواری های فراوان احداث آن برای دسترسی به منابع آب های زیرزمینی، گویای ارزش و اهمیت آب به عنوان مهم ترین و اساسی ترین عنصر نظام تولید در این مناطق است. قنات ساختار آسیب پذیری دارد و همواره نیازمند نگهداری و رسیدگی است. از سوی دیگر، میزان آب حاصل از قنات محدود بوده و این دو ویژگی موجب دخالت برخی نهادهای اجتماعی و مذهبی از جمله نهاد وقف شده است.

این پژوهش بر آن است تا چگونگی تأثیر وقف را در توسعه و پایداری قنات ها با تکیه بر مطالعه قنات های موقوفه سیدرکن الدین بررسی کند و جایگاه وقف را در حفظ و تداوم این سازه تاریخی - آبی بکاود.

۲. جایگاه اجتماعی سیدرکن‌الدین

سیدرکن‌الدین یکی از شخصیت‌های برجسته یزد در عصر ایلخانان بوده است. قبل از بررسی موقوفات او و تأثیر آن در جامعه، لازم است جایگاه خاندانی و اجتماعی او تبیین شود.

خاندان سیدرکن‌الدین نظام الحسینی یزدی که به نام خاندان «آل نظام» یا «ابن‌الرئیس» شهرت یافت، یکی از خاندان‌های سادات عریضی است که از سده پنجم قمری در یزد اقامت یافتند و به تدریج از نفوذ اجتماعی و سیاسی درخور توجهی برخوردار شدند. از مشهورترین افراد این خاندان، ابوجعفر محمدبن علی بن عبیدالله بود که در سال ۴۲۴ق/۱۰۳۳م در یزد وفات یافت. شرح سلسله‌نسب سادات عریضی در کتاب‌های عمده‌الطالب فی انساب آل ابی‌طالب و الفصول الفخریه آمده است. این خاندان از بدو ورودشان در یزد مورد توجه قرار گرفتند و منشأ بسیاری از امور فرهنگی و سیاسی بودند (ابن‌عنه، ۱۳۴۶: ۱۴۷-۱۴۸). سیدرکن‌الدین محمدبن نظام الحسینی معاصر خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی و از دوستان او بود. او در سال ۷۰۲ق/۱۳۰۲م به جرگه دیوانیان پیوست و همواره در سایه و تحت حمایت رشیدالدین قرار داشت. سیدرکن‌الدین و فرزندش، سیدشمس‌الدین محمد، هر دو قاضی شافعی‌مذهب و از نقیبان بودند (افشار، ۱۳۷۱: ۳۰۴) و ارتباط‌های نزدیک سیدرکن‌الدین با وزیر ایلخانی، خواجه رشیدالدین، به وصلت‌های خانوادگی میان این دو منجر شد (مستوفی بافقی، ۱۳۴۲: ۵۵۲).

سیدرکن‌الدین از حکیمان و عالمان ریاضی یزد بود. او در طول حیات خویش مؤسسه بزرگ فرهنگی رکنیه را برپا کرد. مؤسسه رکنیه مجتمع بزرگ فرهنگی، مذهبی و پزشکی شامل مدرسه، مسجد، داروخانه، بیمارستان، رصدخانه و کتابخانه بود که در آمد بخش زیادی از اموال او، مانند دکان‌ها، مزرعه‌ها و سهام قنات‌های متعدد به منظور حفظ و حراست و تأمین هزینه‌های روزمره و سالیانه آن به این مؤسسه اختصاص می‌یافت. تمام این موقوفات بر سرمد مدرسه رکنیه و دو ضلع دیوارهای گنبد نگاشته شده است (سیدرکن‌الدین، ۱۳۴۱: ۱۵؛ مجموعه خطابه‌های تحقیقی درباره رشیدالدین، ۱۳۵۰: ۲۷).

سیدرکن‌الدین توانست از امکانات، ظرفیت‌ها و منابع در اختیار خود برای توسعه زیرساخت‌های اقتصادی و خدمات اجتماعی و فرهنگی جامعه بهره‌برداری کند. از آنجا که آب و

قنات الفبای آبادانی و توسعه اقتصادی در یزد است، سیدرکن‌الدین سهام بسیاری از قنات‌های یزد را خریداری کرد تا بتواند به‌عنوان سهام‌دار این قنات‌ها، درآمد و عایدات آن‌ها را صرف امور اجتماعی و فرهنگی کند (نک جدول ۱).

۳. مدرسه رکنیه و قنات‌های موقوفه سیدرکن‌الدین

مدرسه رکنیه در سده هشتم قمری / چهاردهم میلادی چنان اهمیت داشت که مؤلف تاریخ یزد مدرسه رکنیه را «ام‌البقاع یزد» نامیده و نوشته است این بنا از مدرسه، رصدخانه، کتابخانه سه هزار جلدی، مسجد، بیت‌الادویه، دارالشفاء و خانقاه تشکیل شده است (جعفری، ۱۳۳۸: ۸۱). این مجموعه علمی - فرهنگی نیروهایی را اعم از مدرس، عالم، واعظ، کتابدار، فرّاش، طبّاخ و... به خدمت درآورد. سیدرکن‌الدین در وقف‌نامه خود هزینه‌های کارکنان، روشنایی مدرسه، داروهای لازم در بیت‌الادویه و دارالشفاء، هزینه بیماران، مرمت رصدخانه و هزینه‌های جانبی دیگر را برای مؤسسه رکنیه پیش‌بینی کرد و عوایدی را به آن‌ها اختصاص داد (سیدرکن‌الدین، ۱۳۴۱: ۲۵-۳۵). او درآمد مربوط به سهام خود در نوزده رشته قنات را برای تأمین هزینه‌های مدرسه رکنیه، یک خانقاه در دروازه قطریان، دارالضیافه نظامی، سه مسجد (جامع، باغ‌سرای نور و ثور) و سادات فاطمی اختصاص داد:

مورد وقف	میزان وقف	موقعیت مکانی وقف
قنات مرآآباد	۱۱۸ سهم و نیم از اصل ۱۲۷۴۰ سهم	یزد
قنات یعقوبی	۱۹۵ سهم و ۲ ثلث از مجموع ۱۴۰۴۰ سهم	در حومه شهر یزد
قنات خلیلی	۲۵ سهم و ۳ طسوج سهم از مجموع ۱۴۰۴۰ سهم	در حومه شهر یزد
قنات کثویه	۱۹۰ سهم از مجموع ۱۶۶۴۰ سهم	در حومه شهر یزد
قنات	۲۵۱ سهم و نیم از مجموع قنات رهاآباد و یزدآباد	در حومه شهر یزد
قنات مبارکه	۴۶۴ سهم و نیم و ربع سهم از مجموع ۱۶۶۴۰ سهم	ابرندهآباد و مبارکه (یزد)

یزد	۷۱ سهم از مجموع ۱۰۶۶۰ سهم	قنات دھوک و قنات یزد
مزویرآباد (یزد)	۱۴۱ سهم از مجموع ۱۰۶۶۰ سهم	قنات مزویرآباد
اشکذر	۷۰ سهم	قنات اشکذر
مجمورد (از روستاهای یزد)	۳۹۰ سهم و یک طسوج از یک سهم از مجموع ۹۷۵۰ سهم	قنات مجمورد
اسفنجرد	۱۰۰ سهم از مجموع ۱۰۵۳۰ سهم	قنات اسفنجرد
بغدادآباد	۱۹ سهم و یک ربع و یک سدس	قنات بغدادآباد
۱۴ قریه از دهات یزد	۱۰۰ سهم از مجموع ۱۰۹۲۰ سهم	قنات
فهرج (یزد)	۱۵۸ کشت و پنج سوم یک کشت از مجموع ۷۰۰۰ سهم	قنات فهرج
مهریچرد	۸ جریب و ۳ قفیز و ۳ دست از مجموع ۱۰۶۸ جریب و ۷ قفیز (جریب = ۱۰ قفیز آبخور)	قنات مهریچرد
خورمیز از نواحی مهریچرد	۴ سهم از مجموع ۸۷۷۲۴ سهم	قنات خورمیز
تفت از نواحی قهستان	۵۲ سهم و نیم از ۸۰۴۸ سهم	قنات
فراfter	یک شبانه روز و نصف شبانه روز که مشتمل بر ۲۱۰ سهم از مجموع ۸۸۵۶	قنات فراfter
عزآباد	۲۰ سهم از مجموع ۱۴۱۴۰ سهم	قنات عزآباد

جدول ۱: قنات‌های موقوفه برای مصارف یادشده

این موضوع بیانگر آن است که قنات‌های نام‌برده که از قنات‌های مهم شهر یزد بودند، درآمد چشمگیری داشتند؛ زیرا قادر بودند بخشی از هزینه‌های مدرسه رکنیه و سایر بناهای موقوفه نظیر خانقاه، مسجد جامع، دارالضیافه و... را تأمین کنند. آنچه صرف این موقوفات می‌شده، پس از کسر هزینه‌های دیوانی، حق التولیه متولی، نفقه قنات و سایر هزینه‌های جاری از درآمد قنات بوده است. به این ترتیب، بخشی از درآمد قنات‌ها ابتدا باید صرف هزینه‌های آن مانند لایروبی قنات،

پیشکار کنی^۱ و نگه‌داری آن‌ها می‌شد و سپس بنابه توصیه واقف، بقیه آن صرف امور یادشده می‌شد؛ به این ترتیب از یک سو وقف رسیدگی به قنات و استمرار بهره‌برداری آن را مورد توجه قرار می‌داد و از سوی دیگر موجب عمران و تعالی فرهنگی می‌شد.

۴. قنات وقف آباد

احداث قنات وقف آباد نیز یکی دیگر از اقدامات خیرخواهانه و مردمی سیدرکن‌الدین است. مورخان یزد انگیزه اصلی ایجاد قنات وقف آباد را ارادت فراوان سیدرکن‌الدین به استادش محمدبن یعقوب می‌دانند. براساس نظر مورخان، سیدرکن‌الدین پس از بازگشت از سفر حج به دیدن استادش رفت و او را دید که نفس زنان از پله‌های پایاب^۲ قنات زارچ بالا می‌آید. سیدرکن‌الدین که از مرارت استادش در وضو گرفتن متأثر شده بود، در همان لحظه سوگند یاد کرد که قناتی از تفت به یزد جاری کند که از خانه استاد بگذرد (کاتب، ۱۳۸۶: ۱۱۷؛ آیتی، ۱۳۱۷: ۱۲۱).

قنات وقف آباد یکی از قنات‌های فعال کنونی یزد است. این قنات از دره‌ای (واقع در جنوب غربی شهرستان تفت) آغاز می‌شود و پس از گذر از دره، وارد روستای فراشاه می‌شود. چون جریان آب قنات در این روستا به سطح می‌رسیده است، از باغ‌ها و منزل‌های فراشاه عبور می‌کرده و به کانال آبی که از پنج رشته قنات دیگر در آن ناحیه حاصل شده بود، می‌پیوسته است. به این ترتیب، آب شش رشته قنات و یک جریان آب سطحی به یکدیگر می‌پیوسته و از طریق یک کانال زیرزمینی به شهر تفت هدایت می‌شد (سیدرکن‌الدین، ۱۳۴۱: ۳۵). این منابع آبی عبارت بودند از: قنات وقف آباد، قنات رئیس‌الدینی، قنات میرزایی، قنات روشن آباد، قنات نهر خیلی (نار خیلی)، قنات خواجه غیاث و آب سطحی چشمه تامهر. این پنج رشته قنات به نام «قنات اهرستان» مشهور شده‌اند. قنات وقف آباد و قنات اهرستان به صورت یک مجموعه در شهر تفت در سطح زمین جریان می‌یافتند و نهری به نام «شاه جوی» را تشکیل می‌دادند. نهر شاه جوی در داخل

۱. عملیاتی که برای توسعه قنات و رسیدن به آب بیشتر انجام می‌شود.

۲. پایاب معبر شیب‌داری است که سطح زمین را به راهرو قنات متصل می‌کند.

شهر تفت به صورت روباز از غرب به شرق شهر جاری بوده، پس از خروج از تفت بار دیگر وارد کانال زیرزمینی می‌شده و پس از طی مسافت ۱۵ کیلومتر به محلی به نام «باغ خان» در حوالی یزد می‌رسیده است. سپس در آنجا آب وقف آباد توسط یک مقسم^۱ از آب قنات‌های دیگر جدا و به سمت شهر یزد روان می‌شده است. قنات وقف آباد در شهر به صورت یک شبکه سطحی جاری بوده و قسمتی از آن صرف مصارف عمومی و فضای سبز شهر می‌شده است (سمسار یزدی و چراغی، ۱۳۸۳: ۵۶). به نظر می‌رسد تا آن زمان شهر یزد فاقد چنین شبکه‌ای بوده و اهالی یزد برای دسترسی به آب، بایست پله‌های پایاب‌ها و آب‌انبارها را طی می‌کردند یا از چاه استفاده می‌کردند؛ بنابراین احداث قنات وقف آباد موجب ایجاد تحولی در شبکه آب‌رسانی شهر شد و این اقدام در عصر خویش اقدام بزرگی برای رفاه اجتماعی به‌شمار می‌آمد.

در وقف‌نامه سیدرکن‌الدین درباره قنات و نحوه استفاده از آب قنات و موارد مصرف آن چنین آمده است:

اول مظهر قنات در صحرا و بلوک تفت و نصیری است به انضمام توابع و لواحق آن قنات مزبور را بر کافه مسلمانان وقف کرد که به‌طور رایگان تمام مردم از آن بهره‌مند شوند و از آب آن بیاشامند و چهارپایان و گوسفندان خود را سیراب نمایند و اما ممر و مجری و کیفیت مصرف حاصلات از آن مطابق تعیین واقف اعظم است که آنچه او صلاح بداند عمل خواهد شد. بنابراین ترتیب و رویه آب این قنات این است که وارد نه‌هایی می‌شود که به‌طور سرایشب از منبع به مظهر خواهد رسید تا آنکه به شهر یزد برسد و در دروازه مهری‌جرد که یکی از دروازه‌های شهر یزد است، داخل دارالشفاء صاحبیه شود و از آنجا از راه بازار بزرگ جاری خواهد شد و مردم بازار برای پخت‌وپز و سایر احتیاجات خود از آن استفاده نمایند تا آنکه وارد مسجد جامع جدید و جامع عتیق گردد و از آنجا داخل مدرسه و عماراتی که در اطراف مدرسه واقع است اعم از خانه‌ها و بقا گردد [...] و از آنجا به قنات مزویرآباد ریخته شود (سیدرکن‌الدین، ۱۳۴۱: ۳۶).

به‌طور کلی، هدف واقف در احداث و یا احیا و مرمت قنات به این شرح است:

۱. محلی را که جریان آب قنات تقسیم می‌شود، مقسم می‌نامند.

- ایجاد شبکه‌ای از آب سطحی در شهر یزد (مردم برای دسترسی به آب پله‌های آب‌انبارها و یا پایاب‌ها را طی می‌کردند و یا از چاه‌های عمیق استفاده می‌کردند)؛
- تأمین آب آشامیدنی مردم از طریق پر کردن آب‌انبارها؛
- تأمین آب شرب چهارپایان و گوسفندان؛
- تأمین آب مدرسه‌ها، مسجدها و مکان‌های عمومی؛
- تأمین آب برای به گردش درآوردن آسیاب‌های آبی؛
- ایجاد تلطیف در آب و هوا با برقراری جریان آب در شهر؛
- تأمین آب کشاورزی.

اما اولویت تأمین آب از موارد یک تا هفت بود و در وقف‌نامه قید شده که چنانچه آب مازادی بر موارد موجود بوده است، در انتهای مسیر می‌تواند صرف کشاورزی شود. محل مصرف آب برای کشاورزی نیز در وقف‌نامه مشخص شده است؛ به این ترتیب که در انتهای مسیر، آب وارد قنات مزویرآباد شده، در محل شرب این قنات مصرف شود (سمسار یزدی و چراغی، ۱۳۸۳: ۵۶). مصرف آب مازاد برای کشاورزی هم دارای دو فایده برای قنات موقوفه بوده است: ۱. آب مازاد تلف نمی‌شده است. ۲. آب به فروش می‌رسیده و عواید آن صرف تعمیر و احیای قنات می‌شده است.

در بررسی قنات وقف‌آباد چند نکته درخور توجه است:

- آب قنات وقف‌آباد در قرن هشتم قمری / چهاردهم میلادی با آب‌دهی قابل توجه از سمت جنوب غرب به سمت یزد جریان داشته است.
- این آب وقف آشامیدن مردم شده و مازاد آن مجاز به مصرف در بخش کشاورزی بوده است.
- تعداد زیادی آسیاب آبی در سر راه این آب قرار داشته و با قدرت این آب کار می‌کرده است.
- این آب از محله ۱ و تعداد زیادی کوچه و باغ و مدرسه و مسجد، از جمله مسجد جامع یزد می‌گذشته است.
- سیدرکن‌الدین به تأمین آب شرب شهر به صورت رایگان اهمیت زیادی می‌داده است.

اقدام سیدرکن‌الدین از این نظر که نخستین شبکه آب شهری را برای تأمین نیازهای روزمره اهالی یزد ایجاد می‌کند، به‌عنوان یک کار ارزشمند اجتماعی در عصر خود درخور ستایش است. بعدها در عصر قاجار، حسین‌خان آجودان‌باشی، والی یزد، این اقدام ارزنده اجتماعی را ارج نهاد؛ به‌گونه‌ای که در سال ۱۲۵۷ق / ۱۸۴۰م قنات وقف‌آباد را بازسازی کرد و هشت شبانه‌روز دیگر آن را از دور شانزده شبانه‌روز - که عده‌ای احتمالاً به‌صورت غصبی مالک آن شده بودند - خریداری و وقف کرد. او اعلام کرد این کار را از روی ارادت به سیدرکن‌الدین، سازنده اصلی قنات، انجام داده است. آجودان‌باشی سه هزار جرعه^۱ معادل یک‌چهارم میزان مالکیت شش رشته قنات اهرستان را نیز وقف کرد. این کار او موجب شد تعدادی از متمولان و تاجران که در قنات سهم داشتند، سهام خود را وقف کردند؛ ازجمله:

- حجت‌الاسلام میرزا علی الیزدی الحائری فرزند حاج محمد میرزا: نیم طاق^۲ (۶ ساعت)

- نواب آقا میرزا محمد حسن: یک طاق (۱۲ ساعت)

- فتح‌الله خان مشیرالممالک: یک شبانه‌روز (۲۴ ساعت)

- حاج سید میرزا فرزند حاج سید علی الباقی: یک طاق (۱۲ ساعت)

- حاج عبدالرسول تاجر یزدی: یک شبانه‌روز (۲۴ ساعت)

- حاج میرزا محمد علی عرب، حسینعلی عرب و ملا عباس عرب: یک شبانه‌روز (۲۴ ساعت)

- غضنفر تاجر فارسی: یک طاق (۱۲ ساعت)

- پرویز تاجر فارسی: دو شبانه‌روز (۴۸ ساعت)

در کل، این ارقام با میزان هشت شبانه‌روز وقف حسین‌خان آجودان‌باشی، به میزان چهارده شبانه‌روز و نیم وقف شد. مدار گردش آب در قنات وقف‌آباد شانزده شبانه‌روز بوده است؛ به عبارت دیگر از کل مجموعه شانزده شبانه‌روز آب قنات وقف‌آباد، مقدار چهارده شبانه‌روز و نیم طاق آب آن وقف شد (دست‌نوشته‌های همدانیان، نماینده متولی قنات وقف‌آباد).

۱. واحد سنجش میزان مالکیت یا حقا، آب جرعه نامیده می‌شود که در گویش یزدی به آن جرعه می‌گویند.

۲. مدارهای آبیاری در یزد معمولاً به ۱۲ یا ۱۴ شبانه‌روز تقسیم می‌شده است. در این مدار هر ۱۲ ساعت معادل یک طاق محاسبه می‌شود.

در سال ۱۳۱۰ش / ۱۹۳۲م حاکم وقت یزد، علی محمد خان اویسی، نیز از محل درآمد وقف آباد، ۱۵۵ جریه از آب باقی مانده از آن را از سهام داران آن (محمدعلی و بی بی فاطمه عسگری کامران) خریداری و وقف کرد (سواد وقف نامه آجودان باشی، موزه آب یزد). بقیه سهام جزئی باقی مانده از آب قنات وقف آباد را نیز فرماندار یزد در سال ۱۳۳۶ و ۱۳۳۷ ش / ۱۹۵۸ و ۱۹۵۹م خریداری و وقف کرد؛ به این ترتیب کل آب قنات وقف آباد شامل سه مرحله وقف در دوره های مختلف زمانی شد.

در وقف نامه های جدید موارد دقیق تری از وقف ذکر شده که توجه دقیق متولیان امر را به جوانب و حواشی نظام توزیع آب قنات و جلوگیری از هرگونه سوء استفاده نشان می دهد. این موارد عبارت اند از:

۱. آب وقف آباد برای شرب و بهداشت و فضای سبز محله های یزد وقف شده و هیچ کس نمی تواند از آن جلوگیری کند. در وقف نامه آمده است که علاوه بر محله های موجود، محله های تازه ساخت نیز می توانند از آب وقف آباد استفاده کنند.

۲. هر باغچه ای که در سر راه آب وقف باشد با مساحتی کمتر از ۱۷۸ مترمربع، مجاز به استفاده از آب وقف است؛ اما بیشتر از آن به شرطی که مزاحمت برای دیگران ایجاد نکند، می تواند از آب وقف آباد استفاده کند و اگر صاحب باغ میل داشت، می تواند تبرعاً و تبرکاً مبلغی را برای مرمت قنات ها بپردازد (سواد وقف نامه وقف آباد، موزه آب یزد).

۳. تا پیش از رسیدن به دروازه شهر یزد هیچ کس حق شرب آب ندارد. در وقف نامه، مردم یزد به عنوان ناظر دانسته شده اند تا از هر نوع سوء استفاده از آب قنات قبل از رسیدن به یزد جلوگیری کنند.

۴. ناظر قنات باید فردی متقی باشد و اگر تعداد ناظران زیاد بود، می توانند از راه قرعه کشی یک نفر را انتخاب کنند.

۵. مهم ترین توصیه وقف نامه این است که ابتدا آب برای آب انبارها، گرمابه ها، مسجدها، منزل ها و مدرسه ها صرف شود و حتماً آب به صورت روباز در مسیر جوی ها حرکت کند تا مسافران هم بتوانند از آن استفاده کنند. سپس آب مازاد بر شرب و بهداشت و فضای سبز را به

بیرون شهر ببرند، زراعت و کشاورزی کنند و درآمد حاصل از آن را به مصرف روضه‌خوانی، تهیه لباس فقیران و کمک به مستمندان و مسافران کربلا برسانند.

۶. اگر درآمد به حد کافی باشد، باید در ایام محرم روضه‌خوانی انجام شود و در تمام مدت روضه‌خوانی به مستمعان شام داده شود. برنامه شام هم تشریفات مفصلی دارد که در وقف‌نامه قید شده است.

فردی که این مسئولیت را عهده‌دار شد، آجودان‌باشی، حاکم یزد در عصر قاجار، است. او با خرید تعداد هشت شبانه‌روز آب از سهام قنات وقف‌آباد از افرادی که ادعای مالکیت آن را داشته‌اند، آن را به حالت اولیة خود در آورد و بار دیگر وقف کرد و وقف‌نامه تکمیلی برای آن وضع کرد (سواد وقف‌نامه آجودان‌باشی، موزه آب یزد).

۵. نقش نهاد وقف در تداوم حیات قنات

مطالعه اسناد به‌جا مانده از وقفیات قنات‌های سیدرکن‌الدین و چگونگی مصارف درآمد و عواید آن‌ها نقش و تعامل نهاد وقف و قنات را روشن می‌کند که به این شرح است:

۱. وقف قنات موجب حفظ آن از هرگونه گزند می‌شده است. گاه حتی عامل وقف هم نتوانسته است موقوفه را از غضب و تجاوز در امان نگه دارد؛^۱ اما معمولاً وقف حربه خوبی در مقابل تجاوزهای مالی افراد بوده است.

۲. جامع‌الخیرات سند مکتوبی است که در آن نظر واقف، موضوع وقف، چگونگی هزینه کردن درآمدها و... به صورت مکتوب ذکر شده و صیغه شرعی جاری شده و این سند برای همیشه

۱. نادرشاه طی فرمانی تلاش کرد تا اراضی وقفی را از دست مردم خارج و به اراضی دیوانی تبدیل کند و درآمد آن را صرف نگهداری قشون و نیروهای نظامی کند. اگرچه نادر شاه در این کار موفق نشد، این اقدام او باعث شد تا تعدادی از متولیان از ترس اینکه حکومت موقوفه تحت تولیت آنان را غضب نکند، از ارائه وقف‌نامه امتناع کنند. این کار به دیگران فرصت می‌داد تا این موقوفات را به نام خود ثبت کنند و یا اینکه در موارد متعددی مبنی بر انکار وقف توسط متوکی آن، این موضوع زمینه را برای تصرف املاک موقوفه فراهم می‌آورد (ساما، ش ۲۵۰۰۰۶۴۲، ۲ برگ).

باقی مانده است؛ به عبارت دیگر این سند گذشته را به حال و حال را به آینده پیوند می‌دهد و نقش مهمی در پایداری موقوفه دارد.

۳. موقوفات نه به فروش می‌رسد، نه بخشیده می‌شود و نه به رهن داده می‌شود. اجاره دادن موقوفه نیز نباید بیش از سه سال به طول انجامد (سیدرکن‌الدین، ۱۳۴۱: ۹۴).

۴. بنابه سفارش واقف، متولی موقوفه از فرزندان، اعضای خاندان واقف و یا از افراد بانفوذ و معتمد انتخاب می‌شده است. مرحوم آجودان‌باشی در وقف‌نامه قنات وقف آباد، متولی قنات را حاکم وقت و ناظر آن را اعلم‌العلمای (مجتهد) شهر معرفی می‌کند. این نوع آینده‌نگری و انتصاب تیزهوشی او را نشان می‌دهد؛ زیرا از یک سو مقتدرترین مقام محلی را به عنوان متولی معرفی می‌کند، فردی که به سبب اقتدار و نفوذش می‌تواند حامی قنات باشد و چه بسا از سایر منابع و اموالی که در اختیار دارد نیز برای قنات هزینه کند و از سوی دیگر مجتهد شهر را به عنوان ناظر مشخص می‌کند تا از پشتوانه لازم و کافی برای نظارت بر عملکرد شرعی متولی برخوردار باشد. تلفیق قدرت سیاسی و مذهبی، یعنی حاکم محلی و مجتهد شهر، بهترین زیرساخت را برای حفظ قنات و تأمین استمرار فعالیت آن پدید می‌آورد (وقف‌نامه دوم قنات وقف آباد). مشابه چنین دستورالعمل‌هایی در وقف‌نامه‌هایی مانند وقف‌نامه ربع رشیدی (همدانی، ۲۵۳۶: ۷۰)، وقف‌نامه قنات دولت آباد (نائینی، ۱۳۵۳: ۳۶۱-۳۶۲) و وقف‌نامه‌های دیگر (عرفان‌فر، ۱۳۸۷، ۴۴۴/۲، ۵۶۹ و ۶۱۵؛ طراز، ۱۳۴۱: ۷۰) به منظور حفظ و حراست بیشتر موقوفه مشاهده شده است.

۵. بخشی از درآمد و عایدات حاصل از قنات‌های موقوفه باید صرف امور مربوط به قنات شود؛ مانند هزینه نگهداری، لایروبی، پیشکار کنی و مجموعه هزینه‌هایی که «نفقه قنات» نامیده می‌شود. پس از جدا کردن این هزینه‌ها، در آمد مازاد صرف امور بیان‌شده در وقف‌نامه می‌شود.

۶- واقف سعی می‌کند با دقت نیازهای جامعه (مذهبی، علمی، فرهنگی و اجتماعی) را در نظر بگیرد و با توجه به نگرش خویش به وقف، در آمد آن را برای یک یا چند جزء از این نیازها اختصاص دهد.

۷. واقف پیش‌بینی می‌کند که چنانچه محل‌هایی که در آمد موقوفه به آن‌ها اختصاص یافته است، دچار خرابی شوند؛ روش عمل در آینده چگونه باشد. برای مثال، سیدرکن‌الدین در این باره چنین گفته است:

بعد از خرابی محل‌های مزبور و یأس از تجدید ساختمان آن‌ها، املاک و موقوفاتی که برای آن‌ها وقف شده است، وقف بر مدرسه رکبیه واقع در شهر یزد خواهد بود و اگر خدای نخواست مدرسه هم منهدم شد و تجدید بنای آن ممکن نشد موقوفات مزبور، وقف بر مسجد جامعی است که واقف آن را در خارج شهر یزد در محلی که به نام رأس سکه بهروک و اهرستان است و مثل خورشید شهرت دارد خواهد بود و بعد از آن وقف بر فقرا و مساکین است (سیدرکن‌الدین، ۱۳۴۱: ۹۵).

چنین پیش‌بینی‌هایی در وقف‌نامه‌ها موجب می‌شود موقوفه از بسیاری بلاها و تهدیدها در امان باشد. ۸. وقف‌نامه سازکارهای بهره‌برداری مؤثر و مفید از موقوفه را تشریح می‌کند. وقف‌نامه‌ها گاه حاوی نکات بسیار دقیقی در موضوع وقف هستند که عمل به آن‌ها، استمرار بهره‌برداری از موقوفه را تضمین می‌کند؛ برای مثال در وقف‌نامه دوم قنات وقف‌آباد که در ۱۳۲۳ق/ ۱۹۰۴م آجودان‌باشی تنظیم کرده، چنین آمده است:

به این نحو که آب قنات در داخل شهر شده جاری باشد و اهل شهر از هر محله که برایشان ممکن باشد، از آن منتفع شوند بعد از داخل شدن در شهر در حوض‌های مساجد و خان‌ها و حمام‌ها و کاروانسراها و آب‌انبارها و مدارس و غیرها نموده در رفع حوائج خود صرف نمایند چه آنکه الحال موجود باشد یا بعد از این احداث نمایند و باغچه‌خانه‌هایی که به قدر سدس قفیز^۱ باشد، جایز است از آن آب شرب نمایند؛ لکن در شهر بعد از ورود به شهر نه خارج شهر پیش از ورود که حرام است و هرچه از حوض‌های متعارف در شهر از آن آب در آن نمایند با ترازهای متعارف که از دو قصبه بیشتر نباشد حق مطالبه مال‌الاجاره از آن‌ها ندارند؛ لکن چنانچه تبرعاً به جهت مخارج تنقیه^۲ قنات و تعمیر ممرها بدهند زهی سعادت آن‌ها اما زیاده

۱. قفیز واحدی است که برای مشخص کردن مساحت اراضی در یزد و اطراف آن به کار می‌رود و مقدار آن حدود ۹۵۰ مترمربع است. همچنین، یک قفیز آب میزان آبی است که یک قفیز زمین را ظرف مدت ۲۴ ساعت مشروب می‌کند.
۲. تنقیه عملیاتی است که به موجب آن خرابی‌های قنات برطرف می‌شود. امروزه، به آن مرمت و لایروبی می‌گویند.

از دو قصبه^۱ الی سدس قفیز جایز است از آن شرب نمایند، در صورتی که سبب منع فیض از اهل محلات زیر دست خود نشوند و در صورت عدم سبب منع فیض، زیاده از دو قصبه شرب نمایند باید اجرت المثل شرب آن را به متولی وقف مزبور بدهند که در مصارف معینه که بعد از این در ضمن تعیین مصارف به داخل شرب فاضل از استعمالات اهل شهر در خارج شهر از بیرون دروازه خراسان زراعت نموده شرب نمایند و آنچه از منافع زراعت از فاضل آب عاید شود بعد از وضع مخارج لازمه قنوات از حفر پیشکار و تنقیه و تعمیر ممرهای خارج شهر و لایروبی قنوات و لوازمات دیگر که متعلق است به قنوات مرقومه بقدر الحاصه الشایعه لو لم یتبرع متبرع و مخارج زراعت لو لم یزرع زارع (چنانچه نبخشد و زراعت نکند) و حق التولیه مابقی را در وجوه برو فقرا و ضعفا از سید و عام از قبیل لباس زمستانی یا غیر زمستانی بهر نحو که متولی صلاح بداند صرف نمایند اختیار تعیین مصارف منوط است به نظر خود متولی (سواد وقف نامه آجودان باشی، موزه آب یزد).

۹. قنات از دارایی‌هایی است که مالکیت آن مشاع است. این نوع مالکیت نه تنها در قنات‌های موقوفه سیدرکن‌الدین، بلکه در سایر قنات‌ها نیز صادق است (عرفان‌فر، ۱۳۸۷: ۲/۴۴۴، ۵۶۹ و ۶۱۵؛ آرشیو اداره اوقاف و امور خیریه استان یزد). بنابراین، چنانچه بخشی از آن وقف شود، مالکان بخش دیگر به دلیل احترامی که برای وقف قائل‌اند، سعی می‌کنند نفقه قنات را به موقع پردازند و در هزینه‌های مرمت و لایروبی به گونه‌ای مشارکت کنند که استمرار بهره‌برداری از قنات را تضمین کنند. یکی از دلایل حفظ و نگهداری این قنات در طول عمر بیش از یک هزار سال آن، موقوفه بودن بخشی از آن طی قرن‌هاست.

۶. نتیجه‌گیری

اگر پدیده اجتماعی وقف را با بینشی کارکردی مطالعه کنیم، به این نتایج می‌رسیم:
- در بیشتر موارد وقف به مصونیت قنات در مقابل خطر تهدید و تجاوز کمک می‌کرده است.

۱. قصبه واحد اندازه‌گیری طول است برابر با ۸/۶۸ متر که البته برای اندازه‌گیری مساحت نیز به کار می‌رود؛ بنابراین یک قصب برابر است با ۷۵/۳۴ متر مربع.

- وقف قنات نقش چشمگیری در آموزش، پرورش و اعتلای فرهنگی جامعه داشته است.
- وقف قنات از سویی گام بزرگی در جهت رفاه اقتصادی و اجتماعی جامعه بوده و از سوی دیگر تداوم حیات و استمرار بهره‌برداری از آن را فراهم می‌کرده است.
- جنبه‌های مذهبی وقف نه تنها انگیزه‌ای قوی در دست‌اندرکاران وقف برای حراست از قنات ایجاد کرده؛ بلکه سایر مالکان یا شرکای قنات را به حفظ و نگهداری از آن برانگیخته است. آنان هرگونه اهمال و بی‌توجهی در نگهداری از قنات را جایز نمی‌دانستند؛ زیرا این بی‌توجهی رویگردانی از دستورات دینی و بی‌حرمتی به وقف تلقی می‌شد. مجموعه‌ای اعتقادات مذهبی توسعه‌ی پایدار قنات و کارکرد بلندمدت آن را تضمین می‌کرد.

اسناد

- ساما، صورت جمع و خرج و نظارت بر اعمال متولیان موقوفات، احیای موقوفه، جلوگیری از مداخله حکومت در امور اوقافی. ش ۲۵۰۰۰۰۶۴۲. ۱۳۰۰ ش. ۲ برگ.
- وقف‌نامه قنات وقف آباد یزد. موزه آب یزد.
- وقف‌نامه آجودان‌باشی. موزه آب یزد.
- وقف‌نامه علی‌محمدخان اویسی. موزه آب یزد.
- یادداشت‌های همدانیان، نماینده متولی قنات وقف آباد یزد. موزه آب یزد.
- اسناد قنات زارچ. آرشیو اداره اوقاف و امور خیریه استان یزد. پرونده قنات زارچ.

منابع

- آیتی، عبدالحسین (۱۳۱۷). *تاریخ یزد*. یزد: چاپخانه گلپهار.
- ابن‌عنبه، جمال‌الدین احمد (۱۳۴۶). *الفصول الفخریه*. تصحیح جلال‌الدین محدث. تهران: طهوری.
- افشار، ایرج (۱۳۷۱). *یزدنامه*. ج ۱. تهران: جداگانه.
- بویل، جی. آ. (۱۳۷۹). *تاریخ ایران کمبریج*. ج ۵. ترجمه حسن انوشه. تهران: امیرکبیر.

- پطروشفسکی، اپ، کارل یان و اسمیت ماسون (۱۳۶۶). **تاریخ اجتماعی، اقتصادی ایران در دوره مغول**. ترجمه یعقوب آژند. تهران: اطلاعات.
- جعفری، جعفر بن محمد بن حسن (۱۳۳۸). **تاریخ یزد**. به کوشش ایرج افشار. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- سمسار یزدی، علی اصغر و زهره چراغی (۱۳۸۳). «بررسی جنبه‌های فنی و تاریخی قنات وقف آباد» در **مجموعه مقالات همایش بین‌المللی انسان و آب**. تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.
- سیدرکن‌الدین محمد حسینی یزدی (۱۳۴۱). **جامع‌الخیرات**. به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه. اداره کل حج و اوقاف و امور خیریه استان یزد.
- سلیمی فر، مصطفی (۱۳۷۰). **نگاهی به وقف و آثار اقتصادی - اجتماعی آن**. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- شهابی، علی‌اکبر (۱۳۴۳). **تاریخچه وقف در اسلام**. تهران: اداره کل اوقاف.
- صفی‌نژاد، جواد (۲۵۳۵). **بنه**. چ ۳. تهران: توس.
- طراز، عبدالوهاب (۱۳۴۱). **کتابچه موقوفات یزد**. به کوشش ایرج افشار. فرهنگ ایران‌زمین.
- عرفان‌فر، محمدجواد (۱۳۸۷). **فهرست اسناد موقوفات ایران: شهرستان یزد و حومه یزد**. ج ۲. اداره اوقاف و امور خیریه استان یزد: انتشارات عرشیان.
- کاتب، احمد بن حسین بن علی (۱۳۸۶). **تاریخ جدید یزد**. به کوشش ایرج افشار. تهران: امیرکبیر.
- لمبتون، آ. ک. س. (۱۳۷۲). **مالک و زارع در ایران**. ترجمه منوچهر امیری. تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
- _____ (۱۳۵۰). **مجموعه خطابه‌های تحقیقی درباره خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی**. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مستوفی بافقی، محمد مفید (۱۳۴۲). **جامع مفیدی**. به کوشش ایرج افشار. ج ۱. انتشارات کتاب‌فروشی اسدی.

- (۱۳۸۵). **جامع مفیدی**. به کوشش ایرج افشار. ج ۳. تهران: اساطیر.
- نائینی، محمدجعفر بن محمدحسین (۱۳۵۳). **جامع جعفری**. به کوشش ایرج افشار. تهران: سلسله انتشارات انجمن آثار ملی.
- همدانی، رشیدالدین فضل‌الله (۲۵۳۶). **وقف‌نامه ربع رشیدی**. به کوشش مجتبی مینوی و ایرج افشار. تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.